

هل هناك من ينصف آل محمد (عليهم السلام):

آيا کسی هست که در مورد آل محمد (عليهم السلام) انصاف به خرج دهد؟

لو كان هناك من يبحث عن الحق لكفاه أخبار آل محمد (عليهم السلام) قبل أكثر من ألف سنة عن هذه الحقيقة التي أثبتتها العلم الحديث، ومخالفتهم (عليهم السلام) للباطل المهيم في زمنهم والذي يقول: إن البشرية من نتاج زواج اخوة وأخوات (زنا محارم)، ففي حين أن بقية طوائف المسلمين يقولون بأن البشرية نتاج زواج اخوة وأخوات نجد آل محمد (عليهم السلام) يبينون بوضوح أن هذا غير صحيح وأن ابني آدم تزوجا نساء لا تربطهم بهما درجة قرابة تحرم الزواج.

اگر کسی به دنبال حق و حقیقت باشد، اخبار وارد شده از آل محمد (عليهم السلام) در بیش از یک هزار سال پیش در مورد واقعیتی که امروز به تأیید علم نیز رسیده است، وی را کفایت می‌کند. آل محمد (عليهم السلام) با این عقیده باطل که بشریت از ازدواج برادران و خواهران (زنا با محارم) به وجود آمده، و در زمانشان دیدگاهی غالب بوده است، مخالفت نموده‌اند. در حالی که برخی دیگر از مسلمانان معتقدند انسان‌ها از ازدواج برادران و خواهران (زنا با محارم) پدیدار شده‌اند، آل محمد (عليهم السلام) نادرست بودن این باور را به روشنی بیان نموده و گفته‌اند که دو فرزند آدم با زنانی ازدواج کرده‌اند که با آنها قرابتی نداشته‌اند که سبب حرمت ازدواج با آنان شود.

روی الشیخ الصدوق فی علل الشرائع - باب علة كيفية بدء النسل:

شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع در باب «علت چگونگی پیدایش نسل» چنین روایت کرده است:

[حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدثنا أحمد بن إدريس ومحمد بن يحيى العطار جميعاً قالاً: حدثنا محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري قال: حدثنا أحمد بن الحسن بن علي بن فضال عن أحمد بن إبراهيم بن عمار قال: حدثنا ابن نويه رواه عن زرارة قال: سئل أبو عبد الله (عليه السلام) كيف بدء النسل من ذرية آدم (عليه السلام) فإن عندنا أناس يقولون: إن الله تبارك وتعالى أوحى إلى آدم (عليه السلام) أن يزوج بناته من بنيه، وأن هذا الخلق كله أصله من الإخوة والأخوات؟

[محمد بن حسن بن احمد بن وليد رضي الله برای ما روایت می‌کند: احمد بن ادريس و محمد بن يحيى عطار هر دو نقل کرده‌اند: محمد بن احمد بن يحيى بن عمران اشعري، از احمد بن حسن بن علي بن فضال، از احمد بن ابراهيم بن عمار، از ابن نويه از زراره روایت می‌کند که گفت: از حضرت ابو عبدالله امام صادق (عليه السلام) راجع به کیفیت پیدایش نسل و تکثیر ذریه حضرت آدم (عليه السلام) سؤال شد. سؤال‌کننده عرضه داشت: گروهی از مردم معتقدند خداوند تبارک و تعالی به حضرت آدم (عليه السلام) وحی نمود دخترانش را به عقد پسران خود درآورد و به این ترتیب نسل حضرتش تکثیر شد. بنابراین تمام انسان‌ها در اصل از خواهر و برادر می‌باشند؛ آیا این اعتقاد صحیح است؟

قال أبو عبد الله: سبحان الله وتعالى عن ذلك علواً كبيراً يقول من يقول هذا إن الله عز وجل جعل أصل صفوة خلقه وأحبابه وأنبيائه ورسله وحججه والمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات من حرام ولم يكن له من القدرة ما يخلقهم من الحلال وقد أخذ ميثاقهم على الحلال والطهر الطاهر الطيب، والله لقد نبئت أن بعض البهائم تنكرت له أخته فلما نزا عليها ونزل كشف له عنها وعلم أنها أخته أخرج غرموله ثم قبض عليه بأسنانه ثم قلعه ثم خر ميتاً.

حضرت فرمودند: خداوند منزّه است از این گفتار، آنان که اعتقادشان این است در واقع معتقدند حق عزوجلّ خلقت و آفرینش دوستانش، انبیایش، فرستادگانش، حجتها، مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را از حرام اختیار نموده است و قدرت نداشت آنها را از حلال ایجاد نماید! در حالی که عهد و پیمان بسته که خلق را از راه حلال ایجاد نماید و ایشان را پاک و پاکیزه و طیب و منزّه از هر آلودگی بیافریند. به خدا سوگند برایم نقل کردند یکی از چهارپایان به اشتباه روی خواهرش جست و پس از آنکه پایین آمد و معلوم شد که او خواهرش بوده، ذکر (آلت) خود را بیرون آورد و سپس با دندانهایش آنرا گرفت و کند و بعد افتاد و مُرد.

قال زرارة: ثم سئل (عليه السلام) عن خلق حواء وقيل له: إن أناساً عندنا يقولون إن الله عز وجل خلق حواء من ضلع آدم الأيسر الأقصى؟

زراره می‌گوید: سپس از آن جناب (علیه السلام) راجع به خلقت حوا سؤال شد. سؤال‌کننده عرضه داشت: گروهی از ما می‌گویند خداوند عزوجل حوا را از آخرین دنده‌های چپ آدم آفریده، آیا این گفتار صحیح است؟

قال: سبحان الله وتعالى عن ذلك علواً كبيراً أ يقول من يقول هذا إن الله تبارك وتعالى لم يكن له من القدرة ما يخلق لآدم زوجته من غير ضلعه وجعل لمتكلم من أهل التشنيع سبيلاً إلى الكلام يقول إن آدم كان ينكح بعضه بعضاً إذا كانت من ضلعه ما لهؤلاء حكم الله بيننا وبينهم، ثم قال: إن الله تبارك وتعالى لما خلق آدم من الطين وأمر الملائكة فسجدوا له ألقى عليه السبات ثم ابتدع له خلقاً ثم جعلها في موضع النقرة التي بين وركيه وذلك لكي تكون المرأة تبعاً للرجل، فأقبلت تتحرك فانتبه لتحركها فلما انتبه نوديت أن تنحي عنه، فلما نظر إليها نظر إلى خلق حسن تشبه صورته غير أنها أنثى فكلمها فكلمته بلغته، فقال لها: من أنت؟ فقالت: خلق خلقتني الله كما ترى، فقال آدم عند ذلك: يا رب من هذا الخلق الحسن الذي قد أنسني قربه والنظر إليه؟ فقال الله: هذه أمتي حواء أ فتحب أن تكون معك فتؤنسك وتحديثك وتأتمر لأمرك، قال: نعم يا رب ولك بذلك الحمد والشكر ما بقيت، فقال الله تبارك وتعالى: فاخطبها إلي فإنها أمتي وقد تصلح أيضاً للشهوة وألقى الله عليه الشهوة وقد علمه قبل ذلك المعرفة، فقال: يا رب فإني أخطبها إليك فما رضاك لذلك؟ فقال: رضائي أن تعلمها معالم ديني، فقال: ذلك لك يا رب إن شئت ذلك، قال: قد شئت ذلك وقد زوجتكها فضمها إليك، فقال: أقبلي، فقالت: بل أنت فأقبل إلي، فأمر الله عز وجل آدم أن يقوم إليها فقام ولولا ذلك لكان النساء هن يذهبن إلى الرجال حتى خطبن على أنفسهن، فهذه قصة حواء (عليها السلام) [(١)] .

حضرت فرمودند: خداوند منزّه است از این گفتار. گویندگان این کلام معتقدند خدا قدرت نداشت همسر آدم را از غیر از دنده او بیافریند؟ این گویندگان با کلامشان راه را برای سخن بدگویان باز و هموار نموده‌اند و در واقع با این سخنانشان می‌گویند: جزئی از آدم با جزء دیگرش ازدواج نموده است. ایشان را چه شده است که چنین می‌گویند؟ خدا میان ما و آنان حکم کند. سپس فرمودند: خداوند تبارک و تعالی وقتی آدم را از گل آفرید و فرشتگان را فرمان داد به او سجده کنند و آنها هم اطاعت کرده، سجده‌اش کردند، خواب را بر وی غالب نمود و در این حال، انسانی (حوا) را جهت او آفرید و سپس او را در میان گودی میان بالای دو ران آدم قرار داد تا زنان تابع مردان باشند. حوا حرکت کرد و از حرکت او آدم بیدار شد. در این وقت به حوا ندا آمد که از آدم دور شود. آدم نظرش به او افتاد، آفریده‌ای زیبا و انسانی خوش‌منظر که شباهت به صورت خودش داشت را دید منتهی با این فرق که او زن بود و آدم مرد. با وی سخن گفت، حوا نیز متقابلاً به زبان آدم با وی تکلم کرد. آدم گفت: تو کیستی؟ حوا اظهار داشت: آفریده‌ای هستم که خداوند متعال مرا به این صورت که می‌بینی خلق نموده است. آدم به درگاه جلاله عرضه داشت: پروردگارا! این انسان خوش‌منظری که آفریده‌ای و نزدیکی به او و نگرستن به‌سویش را مایه انس من قرار داده‌ای کیست؟ حق تبارک و تعالی فرمود: این کنیز من حوا است، آیا دوست داری با تو، مونس و همدمت باشد و با تو سخن گوید و فرمانت را اطاعت کند؟ آدم عرضه داشت: آری دوست دارم و تا مادامی که باشم شکر و سپاس تو را بر این نعمت به‌جای آورم. خداوند تبارک و تعالی فرمود: از او خواستگاری کن. زیرا کنیز من بوده و جهت تمایلات غریزی و شهوانی مناسب است. ناگفته نماند که قبلاً خداوند در جناب آدم این نیرو و قوه‌ی شهوت را قرار داده و وی را به مقتضیات آن آگاه ساخته بود. باری آدم عرض کرد: اگر از او خواستگاری کنم، خوشنودی تو در چیست؟ حق

عزوجل فرمود: در این است که معالم و احکام دین من را به او تعلیم کنی. آدم عرض کرد: اگر به این راضی هستی، پس چنان خواهم نمود. حق تعالی فرمود: همین را خواستارم و او را به تزویج تو در آورده، همسرت قرار دادم؛ پس او را در آغوش بگیر. پس از آن آدم به حوا فرمود: پیش بیا. حوا عرضه داشت: بلکه تو باید پیش بیایی. پس خداوند عزوجل به آدم امر نمود که تو به نزد او برو. آدم نیز چنین کرد و اگر حق تعالی چنین فرمانی به آدم نمی‌داد، می‌بایست زنان به‌سوی مردان رفته تا خواستگاری خود را به این نحو انجام داده باشند. این است حکایت حوا (علیها السلام) [(۱)].

۱. صدوق-علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸.

وروی أيضاً: [أبي رحمه الله قال حدثنا محمد بن يحيى العطار عن الحسين بن الحسن بن أبان عن محمد بن أورمة عن النوفلي عن علي بن داود اليعقوبي عن الحسن بن مقاتل عمن سمع زرارة يقول: سئل أبو عبد الله (عليه السلام) عن بدء النسل من آدم كيف كان، وعن بدء النسل من ذرية آدم فإن أناساً عندنا يقولون: إن الله عز وجل أوحى إلى آدم أن يزوج بناته ببنيه وأن هذا الخلق كله أصله من الإخوة والأخوات؟

همچنین صدوق در همان کتاب چنین روایت کرده است: [پدرم که خداوند رحمتش کند می‌گوید: محمد بن یحیی عطار، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از نوفلی، از علی بن داوود یعقوبی، از حسن بن مقاتل، از کسی که از زراره شنید و او گفت: از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: پیدایش نسل از آدم چگونه بود و نیز کیفیت تولید نسل از ذریه حضرت آدم به چه نحو صورت گرفته است؟ سپس سؤال‌کننده گفت: دسته ای از مردم نزد ما می‌گویند خداوند عزوجل به آدم وحی فرمود دخترانش را به

نکاح پسران خود در آورد و این همه مخلوقات در اصل از ازدواج خواهران و برادران می‌باشند. آیا این سخن صحیح است یا نه؟

فقال أبو عبد الله (عليه السلام): تعالى الله عن ذلك علواً كبيراً، يقول من قال هذا بأن الله عز وجل خلق صفوة خلقه وأحباءه وأنبياءه ورسله والمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات من حرام ولم يكن له من القدرة ما يخلقهم من حلال وقد أخذ ميثاقهم على الحلال الطهر الطاهر الطيب، فو الله لقد تبينت أن بعض البهائم تنكرت له أخته فلما نزا عليها ونزل كشف له عنها فلما علم أنها أخته أخرج غرموله ثم قبض عليه بأسنانه حتى قطعه فخر ميتاً، وآخر تنكرت له أمه ففعل هذا بعينه فكيف الإنسان في إنسيته وفضله وعلمه! غير أن جيلاً من هذا الخلق الذي ترون رغبوا عن علم أهل بيوتات أنبيائهم وأخذوا من حيث لم يؤمروا بأخذه فصاروا إلى ما قد ترون من الضلال والجهل بالعلم، كيف كانت الأشياء الماضية من بدء أن خلق الله ما خلق وما هو كائن أبداً.

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: خدا منزّه و مبرّا از این گفتار است. کسی که این سخن را می‌گوید در واقع می‌گوید حق عزوجل برگزیدگان از مخلوقات، دوستانش، انبیایش، فرستادگانش، مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را از حرام آفریده و قدرت نداشته است که آنها را از حلال خلق کند با اینکه عهد و پیمان بسته و براساس آن ملزم شده است که خلق را از راه حلال ایجاد نماید و ایشان را پاک و پاکیزه و طیب و منزّه از هر آلودگی بیافریند؟ به خدا سوگند برایم نقل کردند چهارپایی به اشتباه روی خواهرش جست و پس از آنکه پایین آمد و معلوم شد او خواهرش بوده است، ذکر (آلت) خود را بیرون آورد و با دندان‌هایش آن را گرفت و فشرد تا قطع نمود، سپس افتاد و مرد. و از چهارپای دیگری به من خبر دادند که به

اشتباه با مادرش جمع شد و پس از معلوم شدن، آن حیوان نیز همان کرد که چارپای مذکور انجام داده بود. وقتی حیوانات چنین باشند، انسان که واجد فضایل و علم و کمال است این طور نباشد؟! منتهی چنانچه می بینید گروهی از مردم روی از علم و دانش اهل بیت پیامبران خود برتافته و به کارهایی که به آن امر نشده اند پرداخته اند و با ارتکاب آن به ضلالت و گمراهی کشیده می شوند و با انجام اعمال شنیع و قبیح به انحطاط می گرایند و این انحراف از بدو پیدایش مخلوقات تا الآن ادامه داشته است و تا ابد نیز خواهد بود.

ثم قال: ويح هؤلاء، أين هم عما لم يختلف فيه فقهاء أهل الحجاز ولا فقهاء أهل العراق أن الله عز وجل أمر القلم فجرى على اللوح المحفوظ بما هو كائن إلى يوم القيامة قبل خلق آدم بألفي عام وأن كتب الله كلها فيما جرى فيه القلم في كلها تحريم الأخوات على الإخوة مع ما حرم، وهذا نحن قد نرى منها هذه الكتب الأربعة المشهورة في هذا العالم التوراة والإنجيل والزبور والفرقان أنزلها الله عن اللوح المحفوظ على رسله صلوات الله عليهم أجمعين منها التوراة على موسى (عليه السلام) والزبور على داود (عليه السلام) والإنجيل على عيسى (عليه السلام) والقرآن على محمد (صلى الله عليه وآله) وعلى النبيين (عليهم السلام)، وليس فيها تحليل شيء من ذلك، حقا أقول: ما أراد من يقول هذا وشبهه إلا تقوية حجج المجوس، فما لهم قاتلهم الله [٢].

٢. المصدر (الصدوق - علل الشرائع) ج 1 ص 17-18.

سپس فرمودند: وای بر این گروهی که اعتقادشان چنین است. ایشان چقدر بی خبرند از آنچه را که فقهای حجاز و عراق با هم در آن متفق بوده و اختلافی ندارند. حق تبارک و تعالی دو هزار سال پیش از آفرینش آدم به قلم امر فرمود و آن بر لوح محفوظ جاری شد و حکم تحریم خواهران بر

برادران و محرمات دیگر را تا روز قیامت ثبت و ضبط نمود. ما مشاهده می‌کنیم این کتب چهارگانه آسمانی مشهور در این عالم را که عبارتند از تورات ، انجیل ، زبور و فرقان، خداوند متعال مطالب لوح محفوظ را در این کتابها نهاد و آنها را بر انبیا و فرستادگانش - که سلام و صلوات خداوند بر همگی‌شان باد- نازل فرمود. تورات را بر موسی (علیه السلام)، زبور را بر داوود (علیه السلام) ، انجیل را بر عیسی (علیه السلام) و قرآن را بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و بر پیامبران (علیهم السلام) و در هیچ یک از این کتب آنچه را که در لوح محفوظ حرام نموده، حلال قرار نداده است. شایسته و سزاوار است که بگوییم: کسی که این مطالب و مانند آن را ایراد کرده، صرفاً قصدش تقویت حجت‌ها و برهان‌های مجوس می‌باشد. آنان را چه می‌شود؟! خدا هلاکشان گرداند! [۲].

۲. مصدر (صدوق - علل الشرائع) ج ۱ ص ۱۷-۱۸.
